



روز شمار عید غدیر

23 روز تا عید غدیر خم

25 ذیقعدہ سال دہم ہجری قمری .

روز 25 ذیقعدہ سال دہم ہجری قمری، سال 632 میلادی، مصادف با 4 اسفند سال دہم ہجری شمسی. پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ برای سفر حج، اعلان رسمی نمودند. و اعلام شدہ کہ این سفر، آخرین حج رسول گرامی اسلام می باشد و بہ دستور آن حضرت، منادیانی بہ اطراف مدینہ رفتہ اند تا ہمگان بدانند و پیامبر رحمت را ہمراہی کنند.

و اینک کاروان بزرگ حج، بہ قافلہ سالاری برترین مخلوق آفرینش، بہ سوی مہبط وحی، حرکت می کند. بہ فرمان پیامبر، مردم لباس احرام برداشتہ اند.

اہل بیت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ، صدیقہ کبری و حسنین علیہم السلام ہمراہ این کاروان ہستند. قافلہ عظیم حج، از مدینہ خارج می شود و جمعیتی بالغ بر 70 ہزار نفر پیادہ و سوارہ، در 7 کیلومتری مدینہ و 486 کیلومتری مکہ، در محلی بہ نام «ذوالحلیفہ» یا «آباد علی»، مکانی کہ امروز مسجد «شجرہ» نامیدہ می شود، متوقف شدہ، بہ دستور پیامبر احرام بستہ و بہ سوی حرم امن الہی راہی می شوند تا آداب حج را بیاموزند.

22 روز تا عید غدیر خم

26 ذیقعدہ سال دہم ہجری قمری .

امروز مدینہ، بہ فراق یار مبتلا گشتہ و تمامی انوار مقدسہ، رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ را ہمراہی می کنند. در آخرین سفر حج، کہ «حجۃ الوداع» نام گرفت، تنہا یار جدا مانده از کاروان، امیرالمومنین علیہ السلام است. فرستادہ ای ویژہ، حامل پیام رسول خدا، روانہ سرزمین یمن می شود تا حضرت علی علیہ السلام را کہ برای تعلیم دین راہی آن دیار شدہ، بہ مکہ فرا بخواند .

آخرین حج نبوی، بر پایہ حکم و وحی الہی شکل گرفته و بہ دستور قاطع خداوند مبنی بر ابلاغ حکم وصایت و امامت صورت پذیرفتہ است:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (مائدہ / 67)

«ای پیامبر، ابلاغ کن آنچه را کہ از طرف پروردگارت بر تو نازل شدہ، کہ اگر انجام ندهی، رسالت او را نرساندہ ای .» این چہ پیغامی است کہ اگر ابلاغ نگرdd، رسالت همچنان ناقص می ماند و تلاش بیست و سہ سالہ پیامبر عزیز با تمام سختی ها، جنگ ها و ... بی ثمر خواہد بود؟
با کاروان ہمراہ شویم تا بدانیم .

19 روز تا عید غدیر خم

28 ذیقعدہ سال دہم ہجری قمری .

کاروان، صبح روز سہ شنبہ بہ «عرج» رسید . این قافلہ ہنوز حضرت علی علیہ السلام را ہمراہ ندارد . ایشان بہ امر پیامبر، برای تعلیم احکام الہی اسلام بہ گروہی از مسلمانان و حل اختلافی کہ بین اہل یمن پیش آمدہ، سوی آن دیار راہی شدہ اند و اینک با رسیدن نامہ پیامبر و دستور جدید، بہ ہمراہی دوازده ہزار نفر از اہل یمن بہ سوی مکہ عازم ہستند .

شانزدہ ماہ پیش نیز کہ پیامبر بہ قصد غزوہ تبوک، مدینہ را ترک کردند، حضرت امیر ہمراہ ایشان نبودند. و منافقین فتنہ کردہ، چنین گفتند کہ چون ہوا گرم بودہ حضرت علی در جنگ شرکت ننمودہ است. این سخن برای قہرمان اسلام گران آمد و بہ پیشگاہ پیامبر خدا شتافت و لب بہ شکوہ گشود . آنجا بود کہ پیامبر فرمودند :
«علی جان، تو برای من چون ہارون برای موسی هستی.» (فروغ ابدیت ج 2، ص 391)

18 روز تا عید غدیر خم

29 ذیقعدہ سال دہم ہجری قمری .

کاروان عظیم پیامبر گرامی در پنجمین روز از سفر خود به «سقیاء» رسید . اینک پیامبر تمامی اهل مدینه را جز آنان که به دلایلی همچون بیماری نتوانسته اند همراهیش کنند، در قافله خود به همراه دارد . ده سال پیش در آغازین روزهای ربیع الاول نخستین سال هجرت، زمانی که سراسر جزیره العرب را دشمنانش در استیلا داشتند و یاران و پیروان ایشان بسیار ناچیز می نمود، پیامبر مسیر مکه تا مدینه را، به همراه تعداد اندکی طی نمودند. اما امروز بیش از هفتاد هزار نفر تنها از مدینه در کنار حضرت ره می سپرند .

و هنوز زنده است یاد پر خاطره «لیلة المبيت»، آن شبی که علی علیه السلام در بستر پیامبر خوابید تا نقشه دشمنان، نقش بر آب گردد و با حفظ جان پیامبر، تاریخ هجرت رقم بخورد .

در همان شب بود که ردای بلند افتخار بر قامت علی علیه السلام پوشانیده شد و چنین نازل گشت :

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ .» (بقره / 207)

«و از مردمان، که از جان خود در راه رضای خدا درگذرند و خداوند دوست دار چنین بندگان نیست .»

17 روز تا عید غدیر

اول ذیحجه سال دهم هجری قمری .

در هفتمین روز از سفر پیامبر در مسیر مدینه تا مکه، کاروانیان با عبور از «جحفه» و «غدیر خم» عازم «قدید» شدند . «جحفه» در 156 کیلومتری مکه، میقات کسانی است که از مسیر شام و مصر به مکه مشرف می شوند. تقریباً در سه کیلومتری این محل به طرف مکه، غدیرخم قرار دارد که در آن روزگار، آبگیری در خود داشت و درختانی کهنسال بر آن سایه انداخته بودند .

«جحفه» که در سه راهی مسیرهای مدینه، عراق و مصر به حساب می آمد، خود یادآور خاطرات شیرینی بود. یک سال پیش یعنی در سال نهم هجرت، در همین محل بود که امیرالمومنین علی علیه السلام به ابوبکر رسیدند و مأموریت ابلاغ آیات برائت را از او تحویل گرفتند . همانطور که می دانید، وقتی آیات آغازین سوره برائت نازل گردید و پیامبر فرمان یافتند که آن آیات را در ایام حج به مشرکین ابلاغ و با آنان اتمام حجت کنند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله، ابتدا ابوبکر را به همراه چهل نفر مأمور انجام فرمان ساختند. اما پس از آن جبرئیل نازل گردید و پیغام خدا را رسانید که : این کار حتماً باید توسط خود پیامبر یا کسی که از او باشد، صورت گیرد. پس امیرالمومنین مأموریت یافت و پای در راه گذاشت .

و چنین بود که جحفه بار دیگر فضیلت بی حد، و برتری بی قیاس ابوتراب را نسبت به دیگر مسلمانان گواه آورد. و در پی آن در دهم ذی الحجه سال نهم، صدای رسای علی علیه السلام در جمره عقبی در منا طنین انداز شد که:

«بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.» (توبه/1)

16 روز تا عید غدیر خم

دوم ذیحجه سال دهم هجری .

کاروان پیامبر اکرم صلوات الله علیه به «قدیده» رسیده و در آنجا توقف می کند . حضرت علیه السلام و همراهان نیز هم اینک از نجران و یمن با کاروانی دوازده هزار نفری به سمت مکه رهسپارند .

«نجران» که منطقه مسیحی نشین در مرز یمن و حجاز است، خود حکایتی در فضیلت خاندان وحی دارد. چند ماه پیش، وقتی که هیات نمایندگی مسیحیان نجران، مُرگب از شصت نفر از برگزیدگان این قوم در پاسخ به ندای پیامبر اکرم که آنها را به قبول اسلام - و غیر این صورت، پرداخت جزیه - مکلف کرده بود، وارد مدینه شدند، وقایع و گفتگوهای بسیاری بین آنها و پیامبر اسلام پیش آمد و چون سرانجام این بحث ها به نتیجه نرسید، پیامبر آنان را به مباحله فرا خواند تا از هر یک از دو طرف، به همراه برگزیده ترین های خود در نقطه ای خارج از مدینه به مباحله برخیزند و دعا کنند تا خداوند دروغگویان را از رحمت خویش دور سازد و بر آنان عذاب نازل نماید. در این باره قرآن می فرماید: «فَقُلْ تَعَالُوا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَ كُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَ كُمْ وَ انْفُسَنَا وَ انْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.» (آل عمران / 61)

«پس بگو بیایید تا پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان و ما خویشانمان و شما خویشانتان را بخوانیم و سپس مباحله و دعا کنیم. تا خداوند دروغگویان را به لعنت و مجازات خویش گرفتار سازد. سرانجام لحظات مباحله فرا رسید و دیدگان حیرت زده مسیحیان سیمای مطمئن و آرام پیامبر را مشاهده کردند، در حالی که کودکی در آغوش دارد و دست کودک دیگری را به دست گرفته و قدم به میدان می گذارد. بانویی در پس حضرتش حرکت می کند و در پشت سر آنها حضرت علی علیه السلام گام برمی دارد! و چنین بود که هیات نجران از بیم هلاک شدن به جزیه تن در داد، از در صلح درآمد و علی علیه السلام در همین آیه به مدال پر افتخار «نفس پیامبر» نازل گردید. در سفر به یمن این ماموریت را نیز داشت که اولین پرداخت جزیه را تحویل بگیرد و به پیامبر تقدیم نماید. و اینک ابوتراب، سرافراز از انجام وظایف محوله، رهسپار مکه بود و برای دیدن حبیبش رسول خدا لحظه شماری می نمود.

15 روز تا عید غدیر خم

سوم ذی الحجه سال دهم هجری قمری.

در نهمین روز سفر، کاروان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به «عسفان» رسید .

پیامبر خدا با عزمی راسخ به همراه قافله هفتاد هزار نفری خود همچنان به سمت مکه پیش می روند تا آخرین فرامین الهی را اجرا کنند، اجرای صحیح مراسم حج و آموزش واجبات و مستحبات آن به مسلمین و همچنین اعلام امر ولایت و امامت و تعیین جانشین بعد از خود، چرا که دیگر خورشید عمر مبارکشان رو به افول است . حضرت علی علیه السلام نیز همراه کاروان دوازده نفری از یمن به سمت مکه در راه و بی صبرانه در انتظار دیدار

رسول خدا است .

اغلب محدثین و مورخین، به تواتر در کتب فریقین نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اول کسی که روز قیامت در حوض کوثر، بر من وارد می شود، علی است و او همان جوانمردی است که اولین مسلمان بود و پیش از هر کس اسلام آورد و نماز گزارد و اطاعت امر خدا و رسول نمود .» (بحارالانوار)

ابوذر غفاری می گوید: از رسول خدا صلوات الله علیه شنیدم که در حق امیرالمومنین علیه السلام می فرمود : «یا علی تو اول کسی هستی که به من ایمان آوردی. تو کسی خواهی بود که در قیامت با من مصافحه می کنی. تو راستگوی بزرگواری، تو کسی هستی که بین حق و باطل فرق می گذاری و حق، همواره با توست. تو پیشوا و رهبر مومنین هستی . برادر من، وزیر من و بهترین کسی هستی که پس از من باقی خواهی ماند و تو مواعید مرا انجام می دهی.» (فروغ ابدیت، جعفر سبحانی)

14 روز تا عید غدیر خم

چهارم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

امروز کاروان پیامبر صلی الله علیه و آله به «مرالظهران» رسید و تا شب آنجا توقف نمود. سپس قافله شبانه به سوی «سیرف» حرکت کرد و به مکانی رسیدند که منزل بعد از آن مکه معظمه بود. امروز فراق مدینه از یار به دهمین روز خود رسیده است و مسجد زیبای نبوی، ده شبانه روز است که بی فروغ مانده، نه پیامبری، نه علی و نه فاطمه، حسن و حسین . فراق کدام یک را تحمل نماید ؟!

13 روز تا عید غدیر خم

پنجم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

کاروان پیامبر به نزدیکی مکه رسیده و تا رسیدن به حرم، راهی نمانده است. حضرت علی علیه السلام که برای دیدار پیامبر در تب و تاب است، خود و قافله اش را به پیامبر رسانید. دیدگان پیامبر پیش از رسیدن به مکه به دیدار برادرش روشن گردید .

پیامبر از حضرت پرسید: چگونه و با چه نیتی احرام بستی؟ امیرالمومنین پاسخ داد: چون نمی دانستم که شما چه نیتی کرده اید، من نیت نمودم که:

«اللهم إلهالاً کاهلال نبیک»؛ خدایا نیتی بسان نیت پیامبرت.

پیامبر می فرماید: «علی جان! تکلیف تو در این حج، همان تکلیف من است، حال به سوی سربازانت برگرد و با آنها به مکه بیا.»

و اینک کعبه بی تاب از شوق حضور بهترین میهمان، در حریمش، رسیدن ایشان را لحظه شماری می کند. امروز

یادگار ابراهیم، میهمانی را در طوف خود خواهد دید که تا برپایی قیامت، عزیزتر از او به زیارتش نخواهد آمد. قافله و قافله سالار به حرم می رسند. صلاهی لبیک قطع می شود و مکه، یگانه فرزند خود را در آغوش می گیرد. رسول الله رو به سوی مسجد الحرام پیش می رود و در حالی که زبان به حمد و ثنای پروردگار و درود و صلوات بر حضرت ابراهیم گشوده است، از باب «بنی شیه» به مسجد وارد می شود. لحظات نیکبختی «حجرالاسود» فرا رسیده است، حبیب خدا ابتدا این سنگ بهشتی را استلام می کند و آنگاه در گرداگرد کعبه به طواف مشغول می شود، نماز طواف در پس مقام ابراهیم ادا می گردد و سپس نوبت به سعی میان صفا و مروه می رسد، همانجا که روزی دویدن های هاجر را به خود دیده است، هفت بار گام زدن در راه صفا و مروه، آخرین عمل از عمره تمتع است و پیامبر رو به زائران و همراهان می فرماید: «آنان که قربانی با خود نیاورده اند از احرام خارج شوند، اما آنان که چون من قربانی با خود دارند باید تا زمان ذبح قربانی در منا، در احرام بمانند.»

12 روز تا عید غدیر خم

ششم ذی الحجه سال دهم هجری قمری . دومین روز اقامت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه قبل از عزیمت به عرفه است. امیرالمومنین نیز به مکه آمده و از اعمال طواف و نماز و سعی فارغ شده است. گفته شده که بعد از دیدار پیامبر، حضرت نزد سربازان و همراهان خود برگشته تا آنان را برای رسیدن به مکه فرماندهی کند. آن حضرت در سفر خود به یمن مأموریت داشت تا بخشی از جزیه مسیحیان نجران را در قالب یک هزار دست لباس، از ایشان تحویل گرفته، به همراه بیاورد. هنگامی که حضرت علی علیه السلام برای دیدار با پیامبر، لشکر خویش را در نزدیکی مکه مستقر کرد، به نزد پیامبر شتافت و آن لباس ها را به جانشین موقت خود سپرد. اما در بازگشت متوجه شد که لباس ها در میان سربازان تقسیم شده و آنها را به عنوان لباس احرام، بر تن کرده اند. این عمل، علی علیه السلام را سخت گران آمد و جانشین را مورد عتاب قرار داد که چرا چنین کرده است. وی گفت: آنها اصرار کردند تا من این لباس ها را به امانت به ایشان بسپارم و پس از انجام حج باز پس گیرم . حضرت که چنین اختیاری برای وی قائل نبود، لباس ها را از سربازان باز پس گرفت. و در مکه تحویل پیامبر داد . عدالت و امانت علوی، همراهان حضرتش را خوش نیامد. لذا به خدمت پیامبر رفته و شکوه نمودند. پیامبر که از کردار و گفتار آنان رنجیده شده بود، یکی از یاران خود را طلبید و از او خواست که در میان قوم شکوه گر بپاخیزد و پیام حضرتش را چنین ابلاغ نماید: «از بدگویی درباره علی - علیه السلام - دست بردارید که او در اجرای دستور خداوند در دینش بی پروا است و اهل تملق و مداهنه نیست.» (فروغ ابدیت)

11 روز تا عید غدیر خم

هفتم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

مکه همچنان پذیرای میهمان عزیز خویش است. میهمان در اندیشه رسالتی که بر گردن دارد . از سویی باید اعمال حج را دقیق به انجام رساند و مسلمانان را با مناسک حج آشنا کند و از سویی دیگر به بزرگترین و حساس ترین تکلیف خود در این سفر جامعه عمل ببوشاند.

اما رسول خدا صلی الله علیه و آله را چه چیزی این چنین در اندیشه فرو برده ؟ مگر از چه چیز بیم دارد که این چنین از فرجام پیروان خود احساس خطر می کند؟

نیک بنگرید و در خیل پیروان ایشان بگردید تا بدانید که کدام اندیشه، پیامبر را می آزارد. می دانیم که حضرتش به هنگام خروج از مدینه به قصد مکه بیش از شصت قربانی به همراه داشتند و کسانی نیز در قافله با خود قربانی به مکه آورده بودند. به فرمان پیامبر اکرم این گروه باید بعد از انجام اعمال خود در مکه، تا ذبح قربانی در منا به حال احرام باقی می ماندند، اما تکلیف آنان نیز که با خود قربانی نیاورده بودند روشن بود. آنها باید بعد از سعی صفا و مروه از احرام خارج می شدند و برای عزیمت به عرفه دوباره احرام می بستند. این وظیفه و تکلیف شرعی آنان بود که پیامبر به ایشان ابلاغ فرموده بودند.

دریغا، هنوز بودند کج اندیشانی که علی رغم تاکید پیامبرشان، جاهلانه راه خود رفتند و در احرام ماندند. آنان لب به اعتراض گشوده، گفتند:

«روا نیست پیامبرمان در احرام باشد و ما به کارهایی مشغول شویم که با خروج از احرام بر ما حلال شده است .»
گویی بیش از پیامبر خدا از دین و تکلیف خبر دارند!

به راستی این کج اندیشان چگونه در برابر تکلیف مهم الهی سر تسلیم فرود خواهند آورد؟
آری، نگرانی پیامبر اکرم، از نافرمانی این امت، پس از خود نیز می باشد.

10 روز تا عید غدیر خم

هشتم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

امروز، روز «تروییه» است. تروییه به معنای ذخیره کردن آب است و چون در این روز حجاج باید برای توقف در عرفات و بیتوته در مشعرالحرام و انجام اعمال خاص منا ، به فکر ذخیره آب باشند، به آن «یوم التروییه» گفته اند . این نام از حج ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام به یادگار مانده است، چرا که جبرئیل به ایشان توصیه نمود برای عرفات، مشعر و منا با خود آب بردارند . در این روز کاروان پیامبر اکرم در حجة الوداع از مکه خارج شده و از راه منا به سوی عرفات رهسپار است .

9 روز تا عید غدیر خم

نهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

روز عرفه، روز خود شناسی ، روز بازخوانی - کرده ها و ناکرده ها- روزاعتراف به گناهان و روز تزاید معرفت نسبت به کردگار است . امروز، روزعرفه است و آنجا که ما از آن سخن می گوئیم، صحرای عرفه.

پیامبر خدا تا طلوع آفتاب در منا حضور داشته و سپس به صحرای عرفات رفتند . نیک که بنگرید در محلی به نام " نَمْرَه" خیمه رسول الله را خواهید دید و چون در سخنان حضرتش دقت کنید، بوی خداحافظی استشمام خواهید کرد . آفتاب عمر حبیب خدا، اندیشه غروب دارد و آخرین سفر این سفیر الهی با ابلاغ آخرین تکالیف رسالتش سپری می شود . محمد مصطفی صلی الله علیه و آله دغدغه ای بزرگ در سینه دارد . می داند که باید در واپسین روزهای حیات ، جانشین خود را به مردم بشناساند . جبرئیل در شامگاه روز قبل، بار دیگر پیام معبودش را به او ابلاغ نموده که اگر چنین گویی رسالتش را به انجام نرسانیده است .

روزها سخت و حساس در پیش است و پیام آورامین الهی باید که برای رسانیدن پیام کردگارش دل های رمیده پیروانش را آماده سازد ، گویا همین دیشب بود که صدای حضرتش گفتار جبرئیل را برای مومنین یاد می کرد .

«إِنَّ السَّعِيدَ؟ كُلُّ السَّعِيدِ ، حَقُّ السَّعِيدِ ، مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا مِنْ حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ .»

«خوشبختی واقعی ، تمامی سعادت و نیکبختی حقیقی، برای آن کسی است که «علی» را در زندگیش و پس از مرگش دوست بدارد.»

8 روز تا عید غدیر خم

دهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

روز قربان، روزی پر خاطره است . روزی که بوی بندگی خالص ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام را می دهد . روزی که قرنهای پیش پدر و پسر ، سرافراز از امتحانی بزرگ ، مدال افتخار به سینه آویختند و عید بزرگ اضحی و آیین ذبح قربانی، با ایثار آنان و هدیه بهشتی جبرئیل به یادگار ماند.

پیامبراکرم و همراهان در منا قربانی کردند. پس از آن پیامبر پیروان خویش را مخاطب قرار داده و فرمود: «چند صباحی بیش ، از عمر من باقی نمانده و در فردای روزگار اگر نباشم، این برادرم علی علیه السلام است که در مقابل متخلفین خواهد ایستاد.» سپس آنان را به امانت داری توصیه کرده ، فرمود :

«من دو چیز گرانبها در میان شما به امانت می گذارم که اگر به این دو چنگ زنید هرگز گمراه نخواهید شد. کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم .» و این گفتار پیامبر به عنوان «حدیث ثقلین» جاودانه در تاریخ اسلام باقی ماند .

7 روز تا عید غدیر خم

یازدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

این روز، روز ستیز با شیطان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و یارانش پس از انجام اعمال در منا، شب را در همان جا بیتوته کردند و اینک به رمی جمرات سه گانه، به نشانه نفرت از شیطان مشغولند.

6 روز تا عید غدیر خم

دوازدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

امروز آخرین روز توقف در منا است و آخرین مراحل حج در حجة الوداع به پایان خواهد رسید .

پیامبر اسلام امروز یکی از تکالیف مهم خود را در این سفر که آموزش عملی اعمال و مناسک حج ابراهیمی به مسلمین است، تمام و کمال به پایان رسانیدند و درهر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند و بدین ترتیب اعمال حج به پایان رسید .

پس از پایان مراسم حج، دستور الهی بر پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نازل شد: «نوبت تو به پایان رسیده و روزگارت کامل شده است. اسم اعظم و آثار علم و میراث انبیاء را به علی بن ابیطالب بسپار که او اولین مؤمن است. من زمین را بدون عالمی که اطاعت من و ولایتم با او شناخته شود و حجت بعد از پیامبرم باشد، رها نخواهم کرد.»

5 روز تا عید غدیر خم

سیزدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

آخرین ساعات حضور پیامبر در مکه است و به زودی کاروان حجاج به قصد بازگشت به دیار خویش حرکت خواهد کرد . امروز نیز افتخاری دیگر برای حضرت علی علیه السلام به همراه دارد. آری، امروز است که جبرئیل بر پیامبر خدا نازل می گردد و از جانب پروردگار، مدال و عنوان زیبایی ، «امیرالمومنین» را اختصاصاً برای علی بن ابیطالب علیه السلام به همراه می آورد . پیامبر خدا نیز دستور می دهند تا یکایک یارانشان «ابوتراب» را ملاقات کنند و ایشان را با عنوان امیرالمومنین خطاب کرده ، چنین سلام نمایند: «السلام علیک یا امیرالمومنین»

این فرمان پیامبراکرم بعضی از صحابه را خوش نیامده و به عنوان اعتراض به ایشان عرض می کنند : «آیا این عنوان، عنوانی از سوی خداوند و رسول او است؟» حضرت رسول آزرده خاطر و غضبناک می فرمایند: «حقی است

از طرف خدا و رسولش، و خداوند این دستور را به من داده است.»
به راستی این چنین مسلمانانی در فرداهای نزدیک چگونه سر تسلیم در برابر فرمان پروردگار فرود خواهند آورد؟
و پیامبر، در اندیشه سرانجام آخرین رسالت خود یعنی تعیین جانشین است که به امر پروردگار در راه مدینه
صورت خواهد گرفت .

4 روز تا عید غدیر خم

چهاردهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .
در این روز مکه با میهمان عزیز خود، پیامبر خدا برای همیشه وداع کرد. به دستور الهی، حاجیان به حرکت در
آمدند و سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر بود، به همراه حضرت، سفر پنج روزه تا غدیر را آغاز
نمودند . حتی پنج هزار نفر از اهل مکه و دوازده هزار نفر از اهل یمن - در جهتی مخالف مسیر دیار خود - برای
درک مراسم غدیر همراه حضرت آمدند .
بر اساس فرمان پیامبراکرم صلی الله علیه و آله، حاجیان در مکه باقی نماندند و همه به قصد حضور در بزرگترین
همایش تاریخی اسلام عازم میعادگاه غدیر شدند.
زمان ابلاغ آخرین رسالت نبوی هر لحظه نزدیک تر می شود و پیامبراکرم همچنان در اندیشه سرانجام این رسالت
است. در این که امیرالمومنین علیه السلام تنها فرد شایسته برای جانشینی رسول خدا است، دوست و دشمن
شک ندارد، چرا که او اولین مسلمان و اولین نمازگزار در پشت سر پیامبراکرم است و در دعوت نزدیکان و انذار
«عشیره اقربین» اوست که برادر، وصی و جانشین پیامبری شود، در «لیلة المبيت»، اوست که جان فدای نبوت
می کند، در بدر اوست که کمر شرک را می شکند، اُحد سرود «لافتی الاعلی، لا سیف الا ذوالفقار» برایش می سراید،
خیبر را او فاتح است و در قرآن کریم آیه هایی از فضایل و مناقب او موج می زند و این همه را رسول خدا صلی
الله علیه و آله بهتر از هر کسی می داند.

3 روز تا عید غدیر خم

پانزدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .
کاروانیان پس از خروج از مکه به منطقه «سیرف» رسیدند و از آنجا تا «مرالظهران» آمدند. هنوز تا «غدیر خم» چند
منزل دیگر باقی است.
انتخاب منطقه «غدیر» از چند جهت قابل توجه است:
اول این که در راه بازگشت از مکه، این محل کمی قبل از محل افتراق کاروان ها و تقاطع مسیرها است.
دوم این که در آینده که کاروان های حج در راه رفت و برگشت از این مسیر عبور می کنند، با رسیدن به وادی غدیر

و نماز در مسجد پیامبر، تجدید خاطره و بیعتی با این زیربنای اعتقادی خود نمایند و یاد آن در دل ها احیاء گردد. سوم این که «غدير» محلی بسیار مناسب برای برنامه سه روزه پیامبر و ایراد خطبه برای آن جمعیت انبوه به منطقه «غدير خم»، بیابانی باز و وسیع در مسیر سیلاب وادی «حجفه» بود. این سیلاب از مشرق به مغرب جاری می شد و پس از عبور از غدير به حجفه می رسید و سپس تا دریای سرخ ادامه پیدا می کرد و سیل های سالیانه را به دریا می ریخت.

در این مسیر آبگیرهای طبیعی به وجود آمده بود که پس از عبور سیل، آب های باقی مانده در آنها جمع می شد و به عنوان ذخایر آبی شناخته می شدند و به آنها اصطلاحاً «غدير» می گفتند. در مناطق مختلف، غديرهای زیادی در مسیر سیل ها وجود داشت که با نامگذاری از یکدیگر شناخته می شدند. این غديرهم برای شناخته شدن از غديرهای دیگر، به نام «غدير خم» نامگذاری شده بود. کنار این آبگیر پنج درخت سرسبز و کهنسال از نوعی درخت شبیه درخت چنار، که درخت خاص صحراها است وجود داشت. این پنج درخت، سایبان مناسب برای مسافران خسته بودند.

در نهایت این بیابان وسیع، به عنوان بهترین مکان برای مراسم سه روزه غدير انتخاب گردید و جایگاه سخنرانی، زیر همان درختان در نظر گرفته شد که هم مشرف به بیابان و محل تجمع مخاطبین و هم سایبان مناسبی برای ایراد خطابه بود.

2 روز تا عید غدير خم

شانزدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

قافله عظیم غدير همچنان در حرکت است . قافله از «مرالظهران» گذشته و به آبادی بعدی یعنی «عسفان» رسیده و تا مکان غدير و روز موعود راهی باقی نیست، روزی که خداوند مقدر داشته تا رسولش، ولایت امیرالمومنین علیه السلام را بر مردم ابلاغ کند و با مسلمانان اتمام حجت کرده، او را پس از خود مولای آنان قرار دهد، چرا که چند روزی بیشتر از عمر مبارکش نمانده و این در حالی است که خداوند هیچگاه زمینش را بدون حجت باقی نمی گذارد و ائمه علیهم السلام هستند که بعد از پیامبر اکرم هادی مردم می شوند .

مسلمانان به یاد دارند آن زمان را که آیه «**انما انت منذرٌ لكل قوم هاد.**» (**رعد/7**) نازل شد و خداوند به رسول گرامی فرمود : فقط تو بیم دهنده و برای هر گروه هدایتگر هستی .

پس حضرت محمد صلی الله علیه و آله دست مبارک را بر سینه خود نهاد و فرمود: «انا المنذر» و آنگاه دست بر سینه علی علیه السلام گذارد و فرمود: «**انت الهادی و بک یهتدی المهتدون.**»

«من بیم دهنده هستم، و تو هدایت کننده هستی که به وسیله تو انسان ها هدایت می شوند.» (**ینابیع الموده،**

آخر باب 26)

یک روز تا عید غدیر خم

هفدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری.

کاروان بزرگ غدیر به همراهی وجود مقدس پنج نور پاک، پیامبراکرم، امیرالمومنین، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام که این کاروان را برافلاکیان شرف بخشیده اند، پس از گذشتن از «عسفان» به منطقه «قدید» رسیده و اینک تا «حجفه» که «غدیر خم» کنار آن واقع است، راهی نمانده است. آنچه در غدیر برای مردم بیان شد، بزرگترین پیام اسلام، یعنی ولایت اهل بیت علیهم السلام بود. همانند بسیاری از موارد که برای اتمام حجت معجزه ای از سوی پیامبر صورت می گرفت تا موجب اطمینان قلوب آن مردم و نسل های آینده تاریخ باشد، درغدیر، خداوند در حضور پیامبر خود مستقیماً معجزه نشان داد و امضای الهی را بر خط پایان غدیر ثبت کرد.

روز عید غدیر خم

هجدهم ذی الحجه سال دهم هجری قمری .

نزدیک ظهر روز دوشنبه، کاروان بزرگ پیامبر همین که به منطقه «غدیر خم» رسیدند حضرت، مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر داده، فرمودند :

«ایها الناس، اجیبوا داعی الله، و انا رسول الله .»

ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم .

این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیام مهمی فرا رسیده است. لذا فرمان دادند تا منادی ندا کند:

«همه مردم متوقف شوند، آنان که پیش رفته اند برگردند، و آنان که پشت سر هستند، خود را سریع تر برسانند.» همچنین دستور دادند، کسی زیر درختان کهنسالی که در آنجا بود نرود و آن مکان برای برپایی جایگاه سخنرانی خالی بماند.

پس از این دستور، همه مرکب ها متوقف شد، همه مردم پیاده شدند و برای توقف سه روزه خیمه زدند .

از طرف دیگر پیامبر چهار نفر از اصحاب خاص خود یعنی مقداد، سلمان، ابوذر و عمار را فرا خوانده و به آنان دستور دادند تا جایگاه سخنرانی را در کنار درختان کهنسال آماده سازند . آنان از روانداز شتران و سایر مرکب ها کمک گرفته، منبری بلند ساختند و روی آن را با پارچه ای پوشانند (منبر در میان جمعیت قرار داشت.) با توجه به کثرت جمعیت، "ربیعہ" را که صدای رسایی داشت، انتخاب کردند تا کلام حضرت را برای افرادی که دورتر قرار داشتند، تکرار کند.

مقارن ظهر، منادی حضرت رسول اکرم (ص)، ندای نماز جماعت داد، مردم مقابل منبر جمع شدند و با پیامبر نماز جماعت را اقامه نمودند. پس از نماز، پیامبراکرم از منبر غدیر بالا رفتند و سپس علی علیه السلام را فرا خواندند تا در سمت راست ایشان بر فراز منبر بایستد و پیامبر نیز در حالی که دست راستش بر شانه امیرالمومنین قرار داشت، سخنرانی تاریخی خود را شروع کردند که بیش از یک ساعت به طول انجامید.

حضرت در ابتدا به حمد و ثنای الهی پرداختند و سپس تصریح کردند که: باید فرمان مهمی درباره علی بن ابیطالب ابلاغ کنم که اگر این پیام را نرسانم رسالت الهی را انجام نداده ام :

«یا ایها الرّسول، بَلِّغْ ما أُنزل الیک مِنْ رَبِّکَ وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ، فَمَا بَلَّغْتَ رسالته.» (مائده/67)

پس از بیان جملاتی، پیامبر دست علی علیه السلام را بلند نمود و فرمودند:

«من کنت مولاه فهذا علی مولاه»

و چنین بود که «غدير»، عید ولایت نام گرفت .